

مولانا شوقی تبریزی

تخمیس غزل‌های
حکیم ملا محمد فضولی



دکتر حسین محمدزاده صدیق

قیمت ۲۷۰۰۰ تومان



تلفن: ۰۴۱۳۶۶۱.۰۴۰۶ فکس: ۰۴۱۳۶۶۱.۰۴۰۷



04444444

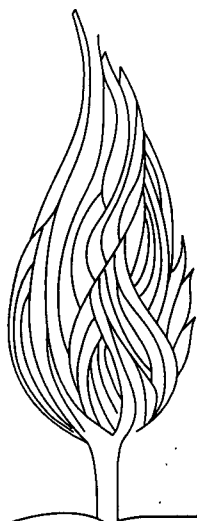
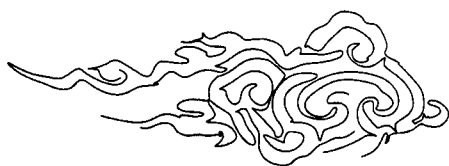
۱۱۳۴۴۰۰



قالان نورد

دکتر حسین محمدی زاده سادقی

تخمیس غزل‌های
حکیم ملا محمد فضولی
مولانا شوقی تبریزی



قالان جوي

ایچینده کیلر

چند کلمه.....	۷
مقدمه.....	۹
۱. اسناد و آرا.....	۱۱
۱-۱. مجالس الثقات (تالیف ۸۹۶ ق.).....	۱۱
۱-۲. تحفه‌ی سامی (تألیف: ۹۷۵ ق.).....	۱۱
۱-۳. آتشکده‌ی آذر (تالیف ۱۱۷۴ ق.).....	۱۳
۱-۴. ریحانة الادب (تالیف ۱۳۲۶ ق.).....	۱۵
۱-۵. دانشمندان آذربایجان (تالیف ۱۳۱۴ ش.).....	۱۵
۱-۶. تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه‌ی تبریز (تالیف ۱۳۲۳ ق.).....	۱۶
۱-۷. تاریخ نظم و نثر در ایران (۱۳۳۴ ش.).....	۱۶
۱-۸. مجله‌ی پژوهشی اصفهان (تالیف ۱۳۸۱ ش.).....	۱۷
۱-۹. مقدمه بر دیوان حضرت علی (ع) (تالیف ۱۳۸۳ ش.).....	۱۸
۱-۱۰. مقدمه بر دیوان شوقی تبریزی (تالیف ۱۳۹۳ ش.).....	۲۰
۲. زندگی و آثار شوقی.....	۲۳
۲-۱. نام.....	۲۳
۲-۲. زاد و بوم.....	۲۴
۲-۳. مرثیه‌سرایی شیعی.....	۲۶
۲-۴. آثار.....	۲۸
۳. روزگار شوقی و معاصران او.....	۳۵
۳-۱. حسن پادشاه (۸۲۸-۸۸۲ ق.).....	۳۵
۳-۲. سلطان یعقوب (۸۸۳-۸۹۶ ق.).....	۳۶
۳-۳. شاه اسماعیل ختایی (۸۹۲-۹۳۰ ق.).....	۳۸
۳-۴. ملک الشعرا عبدالله حبیبی (۸۶۵-۹۲۶ ق.).....	۳۹
۳-۵. احمدی تبریزی.....	۴۰
۳-۶. حقیری تبریزی (۹-۸۹۴ ق.).....	۴۰
۴. تضمین و تخمیس.....	۴۳
۴-۱. تضمین چیست؟.....	۴۳
۴-۲. هدف از تضمین.....	۴۴
۴-۳. گونه‌های تضمین.....	۴۵

۷۳	بخش ۲. متون تخمیس های مولانا شوقی
۷۵	۱ دلبر! قدین کیمی بیر سرو خوش رفتار یوخ،
۷۷	۲ دلا دؤنیادا کامینجا چو عیش و عشرت ائتدین، ائت،
۷۹	۳ ای گؤزؤم اشیای دهرین عشوه، ناز نایی وار،
۸۱	۴ بنیم سودای عشق ایچره، دمامد شهرتیم آرتیر،
۸۳	۵ منیم عشقیم یقیندیر عالمه بیر کبر یاداندیر،
۸۶	۶ سنودی کؤنلؤم یئنه بیر شوخ ستمکار، بنیم،
۸۸	۷ اولوب مسدود باب میکده زهد و ریالاردان،
۹۰	۸ آرادیم عشقی بو دردیچؤن ائوین دؤنیانین،
۹۲	۹ مصؤر لوح حسنؤنده قاشین سرمشق نون ائتدی،
۹۴	۱۰ کؤنلؤم اولدو هجرینده محنت و غم ناچاغی،
۹۶	۱۱ بیر حوری صفت گؤردؤم اولماز بلله انسانی،
۹۹	۱-۲. شرح تخمیس های شوقی از شعر فضولی
۱۰۰	شرح تخمیس نخست
۱۰۲	شرح تخمیس دوم
۱۰۵	شرح تخمیس سوم
۱۰۷	شرح تخمیس چهارم
۱۰۹	شرح تخمیس پنجم
۱۱۲	شرح تخمیس ششم
۱۱۶	شرح تخمیس هفتم
۱۱۹	شرح تخمیس هشتم
۱۲۲	شرح تخمیس نهم
۱۲۵	شرح تخمیس دهم
۱۲۸	شرح تخمیس یازدهم
۱۳۲	۲-۲. تخمیس سرائی بر اشعار فضولی
۱۳۹	۲-۳. مخمس های خود ساخته ی شوقی
۱۴۱	بخش ۳- افزوده ها
۱۴۳	۳-۱ لغات متون تخمیس ها
۱۴۵	۳-۲ فهرست اعلام
۱۴۷	۳-۳ منابع

چند کلمه

این کتاب حاوی یازده تخمیس از یازده غزل ترکی حکیم فضولی (۹۱۳ - ۹۷۶ ق.) است که توسط مولانا شوقی تبریزی (۸۵۳ - ۹۵۴ ق.) سروده شده است. وی معاصر فضولی و از اندیشمندان و شاعران مسلمان عصر خود به شمار می‌رفت. از جمله آثارش تدوین و ترجمه‌ی دیوان منسوب به حضرت علی (ع) است که در آن ۳۵۷ قطعه شعر حماسی، رزمی، تعلیمی و توصیفی آن حضرت را به‌طور منظوم و روان و فصیح ترجمه کرده است. او را نخستین و یا یکی از نخستین تضمین‌کنندگان اشعار ترکی فضولی می‌شناسیم.

در کتاب حاضر، نخست مطالب نوشته‌شده در منابع زندگی‌گزاری درباره‌ی مولانا شوقی را آورده‌ام، در فصل دوم تلاش در نگارش زندگی‌نامه‌ی او کرده‌ام و پس از بحثی پیرامون تضمین و تخمیس، به بررسی و تحلیل تضمین‌های او پرداخته و در انتها متن تخمیس‌هایش را با شرح برخی لغات مهجور نقل کرده‌ام.

در آماده‌سازی و نقل متون تخمیس‌های شوقی، سعی در یکسان‌سازی املاء کلمات داشتم، از آن میان نگارش برخی الفاظ را به شیوه‌ی کنونی رایج در ترکی آذربایجان برگرداندم. نظیر بن - من، بین - مین و جز این‌ها.

اما به موارد دستوری که امروزه صور و اشکال نوین یافته‌اند، دست نبردم مانند فعل /چکمن / صیغه‌ی اول شخص مفرد مضارع گسترده است که امروزه به‌صورت /چکمه‌رم / تلفظ می‌شود. این شکل تلفظ با دگرگونی که بعدها یافت، مایه‌ی ظهور برخی لطایف در فولکلور آذربایجان نیز شده است. مثلاً در شأن نزول ضرب‌المثل «تانیمنم، بیلمنم» گفته‌شده است که چوپانی به شیخ بهایی برخورد می‌کند. او را نمی‌شناخته است و از او سراغ شیخ بهایی را می‌گیرد. شیخ در جواب او جمله‌ی فوق را که بعدها شکل مثل سائره بر خود گرفت بر زبان می‌آورد که دارای دو معنای زیر است:

۱. بدان من هستم، بشناس من هستم.

۲. نمی‌شناسم، نمی‌دانم.

و چوپان چون آشنا به شیوه‌ی بیان کهن ترکمانی آق‌قویونلوها بوده، معنای دومی را برداشت می‌کند.

فضولی خود نیز همین شکل دستوری فعل مضارع را به کار برده است:

سندن ائتمن داد، جوورؤن وار، لطفون یوخ دئییب،

مسب دوق شوقونام، بیردیر یانېمدا وار - یوخ.

و یا:

صورتی زیبا صنملر یوخ دئمن بتخانه‌ده،

وار چوخ، اما سنا بنزر بت عیار یوخ!

و یا:

کیمه اظهار ائيله‌یم بیلمن بو پنهان دردی کیم،

وار یوز مین درد پنهان، قدرت اظهار یوخ.

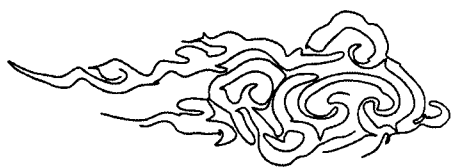
اما برخی ویژگی‌های صرفی را دست نزدیم؛ مانند صورت فعل وصفی گورگج که امروزه گورجک تلفظ می‌کنیم و نیز صورت‌های جمع اسم‌ها و فعل مانند طوطی لر یز (= طوطی لریک)، اسیر غربتیز (= اسیر غربتیک)، عیش ائده ریز (عیش ائدریک) و غیره؛ که همگی را به شکل اصلی خود حفظ کردم.

امیدوارم این وجیزه، خدمتی کوچک در فضولی‌شناسی تلقی گردد. به فضل الاهی اگر عمری باقی بود مجموعه‌های دیگری از این شاخه‌ی شعر دیرین ترکی آذری را نیز برای علاقه‌مندان تدوین خواهم کرد.

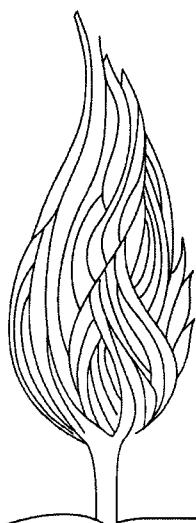
والله یؤید من یشاء

دکتر ح. م. صدیق

تبریز - ۹۷/۷/۳۰



مقدم



۱. اسناد و آرا

۱-۱. مجالس النفايس^۱ (تأليف ۸۹۶ ق.)

مولانا شوقی، جوانی ملایم و پر شوق و ذوق است و به تحصیل کمال در حد کمال اشتغال دارد؛ و از کثرت فکر، اندک خفتی در دماغ او پیدا شده [است]. و این مطلع فارسی از اوست:

با غیر دیدمت به سخن، کشت آن مرا،
لب را چو بستی از سخن، آسوده جان مرا.

و این مطلع ترکی نیز از او است:
بارب آواره کؤنلؤم زلفؤن ایچره مبتلا قالدې،
ترحم قېل کی سندین باردې و ایمدی سنا قالدې.

۱-۲. تحفه‌ی سامی (تألیف: ۹۷۵ ق.)^۲

شوقی تبریزی^۳ از اولاد خواجه رشید است. مرد خوش صحبت و آدمی سیرت است. خط نستعلیق را خوب می‌نویسد و در انشاء مهارتی تمام دارد، چنان‌که بعضی اوقات منصب انشای من به او تعلق داشت و اکثر کتب متداوله را خوانده است و شاعری پاکیزه گو است و از اقسام شعر به قصیده گویی بیشتر میل دارد و می‌کوشد. در جواب قصیده‌ی مولانا امیدی که گفته است:

^۱ نوایی، امیرعلیشیر. مجالس النفايس، به تصحیح علی اصغر حکمت، تهران، ص ۲۳۷. (از ترجمه‌ی شاه محمد قزوینی)

^۲ سام میرزا صفوی. تذکره‌ی تحفه‌ی سامی، تصحیح و تحشیه: دکتر رکن‌الدین همایون‌فرخ، تهران، اساطیر، ۱۳۸۴، ص ۱۹۱.

^۳ کلمه‌ی «تبریزی» را مصحح «یزدی» خوانده است.

ای تو سلطان ملک زیبایی،
ما گدایشه گان تماشایی.

قصیده‌ای گفته که این چند بیت از آنجاست:

ای رخت ماه اوج زیبایی،
قامت سرو باغ رعنائی.
سرو و گل را اگر بود با تو،
دعوی حسن و لاف زیبایی.
سرو برجا بماند از خجلت،
چون خرامان به باغ فرمائی.
گل ز شرم رخ تو آب شود،
اگر از پرده روی بنمائی.
ماه را با رخ تو نسبت نیست،
سرو را با قد تو مانائی.
سرو آزاده‌ای است گوشه‌نشین،
هرزه‌گردی است ماه هرجایی.

در این قصیده، مطلع قصیده‌ی مولانا امیدی را تضمین کرده [است و این تضمین] بسیار خوب واقع شده [است].:

ای تو شاه سریر دلجویی،
«ای تو سلطان ملک زیبایی!»
شاه خوبان عالمی و تو را،
«ما گدایشه گان تماشایی».

روز میدان ز خرگه لعلی،
چون گل غنچه گر برون آیی،
عزم میدان کنی و چون خورشید،
عالم از روی خود بیارایی.
زلف چوگان صفت به دوش نهی،
وز بتان گوی حسن بر بایی.

و در جواب قصیده‌ی ردیف «گل» مولانا کاتبی قصیده‌ای گفته بود که از این
یک بیت، باقی قصیده‌ی او را مفهوم می‌توان کرد:
شاخ گل را از تفاخر سر ز گردون بگذرد،
نوگل من گر زند بر گوشه‌ی دستار، گل.

این مطلع هم از اوست:
شب تا به روز گریه‌ی جانسوز می‌کنم،
بی تو شبی به خون جگر روز می‌کنم.

۳-۱. آتشکده‌ی آذر^۴ (تالیف ۱۱۷۴ ق.)

... شوقی مدتی در خدمت سام میرزای صفوی بوده و طبع خوشی داشته
[است]. آخرالامر از شاه تهماسب خائف شده، با همایون به هند رفته، در کابل
وفات یافته [است].

این اشعار از او به نظر رسید، در این کتاب درج شد:

^۴ آذر بیگدلی، لطفعلی بیگ. آتشکده‌ی آذر، چاپ حسن سادات ناصری، ص ۱۰۹ و ۱۱۰.

بس که بر سر خاک در کویش من محزون کنم،
در میان خلق نتوانم که سر بیرون کنم.

دردا که فراق ناتوان ساخت مرا،
بر بستر ناتوانی انداخت مرا.
از ضعف چنان شدم که در بالینم،
صد بار اجل آمد و نشناخت مرا.

ترسم که ز حسرت جمالت می‌رم،
محروم ز دولت وصال می‌رم.
هرچند که باشم به خیالت زنده،
می‌ترسم از آن که در خیالت می‌رم.

خوبان که بلای عقل و دینند همه،
با اهل وفا بر سر کینند همه.
با ما نه چنان‌اند که می‌باید بود،
اما چه توان کرد ضعیف‌اند همه.

شوقی! غم عشق دلستانی داری،
گر پیر شدی، غم جوانی داری.
شمشیر کشیده قصد جان‌ها دارد،
خود را برسان تو نیز جانی داری.

۴-۱. ریحانة الادب^۵ (تالیف ۱۳۲۶ ق.)

شوقی به سام میرزا پسر شاه اسماعیل صفوی انتساب داشته [است]. عاقبت از خوف شاه تهماسب صفوی به هند فرار کرد تا در اواسط قرن دهم هجرت در کابل درگذشته است و از اوست:

دردا که فراق، ناتوان ساخت مرا،

بر بستر ناتوانی انداخت مرا.

از ضعف چنان شدم که شب‌های فراق،

صد بار اجل آمد و نشناخت مرا.

نام و مشخصات دیگرش به دست نیامد.

۵-۱. دانشمندان آذربایجان^۶ (تالیف ۱۳۱۴ ش.)

شوقی تبریزی از منسویین خواجه رشیدالدین وزیر بوده، خط نستعلیق را خوب می‌نوشته است. پس از مدتی خدمات لایقه در دارالانشاء سام میرزا، به هند رفته و در کابل [در] سنه ۹۵۴ ق. فوت شده است. دیوانی مشتمل بر قصاید و غزلیات و رباعیات قریب به چهارصد بیت از او یادگار [مانده است] و این دو رباعی از اوست:

... شوقی! غم عشق دلستانی داری،

گر پیر شدی چه غم؟ جوانی داری.

شمشیر کشیده قصد جان‌ها دارد،

خود را برسان تو نیز جانی داری.

^۵ مدرس تبریزی خیابانی، محمدعلی. ریحانة الادب، تهران، انتشارات خیام، ج ۳، ص ۲۶۲.

^۶ تربیت، محمدعلی. دانشمندان آذربایجان، تهران، ۱۳۱۴، ص ۲۰۸.

و همین شوقی است که قبل از میدی، دیوان حضرت علی (ع) را به نظم پارسی در سنه ۸۸۵ به نام سلطان یعقوب ترجمه کرده [است] و نسخه‌ای از آن نزد نگارنده موجود است.

۶-۱. تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه‌ی تبریز^۷ (تالیف ۱۳۲۳ ق.)

شوقی، ملازمت سام بن طهماسب پادشاه داشت. به تهمتی از شاه هراس کرد. در رکاب همایون پادشاه به هندوستان شد و به کابل از جهان برفت.

۷-۱. تاریخ نظم و نثر در ایران^۸ (۱۳۳۴ ش.)

شوقی تبریزی از شاعران دستگاه سام میرزا صفوی بوده [است]. و پس از گرفتاری آن شاهزاده از بیم شاه طهماسب به هندوستان گریخته و در دربار همایون راه یافته و از آنجا به کابل رفته و در اواسط قرن دهم در آنجا درگذشته است...

شوقی تبریزی از بازماندگان خواجه رشیدالدین فضل‌الله وزیر و استاد خط نستعلیق بوده [است]... و دیوانش شامل چهار هزار بیت می‌شده و دیوان علی بن ابیطالب را به نام سلطان یعقوب در سال ۸۸۵ ق. به نظم فارسی ترجمه کرده است.

^۷ نادر میرزا. تاریخ و جغرافیای دارالسلطنه‌ی تبریز، با مقدمه‌ی محمد مشیری، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۵۱، ص ۱۳۵.

^۸ نفیسی، سعید. تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی، تهران، انتشارات فروغی، ۱۳۶۳، ص ۶۵۳ و ۸۳۷.